

معماری و شهرسازی اسلامی در "فرم" یا در "معنا"

رحیم هاشم‌پور

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
Ra_Hashempour@yahoo.Fr / Ra_Hashempour@ikiu.ac.ir

چکیده

همواره در خصوص معماری و شهرسازی اسلامی سخن‌ها رفته و مطالب زیادی نگاشته شده است ولیکن هنوز که هنوز است نمی‌توان فضایی را به مفهوم و شکل واقعی آمیخته با مبانی اساسی اسلامی به جهانیان ارائه دهیم. گاهی به تفاوت شکلی فضا با مبانی فضای اسلامی بر می‌خوریم و گاهی به تفاوت مفهومی فضا با مبانی اسلامی. در هر دو صورت اشکال کار در عدم درک صحیح از فضای اسلامی در شهر و معماری اسلامی می‌باشد. هیچگاه از خود پرسیده‌ایم اولین مکان ساخته شده با تفک و نفی اسلامی کجاست و کدام است؟ آیا تا بحال از خود پرسیده‌ایم که شهر اسلامی در کالبد تعریف می‌شود یا در حقوق شهروندی؟ آیا کالبد شهر اسلامی از ۱۴۰۰ سال تا به امروز براساس فرهنگ مردم شهر شکل گرفته است یا براساس اعتقادات اسلامی؟ و اگر جواب اعتقادات اسلامی است پس چرا امروزه هیچکدام از این شهر مورد تأیید صد در صد علمای بزرگ اسلام نیستند؟ آیا اینطور نیست که شهر اسلامی در تمامی ابعادش مورد نقد و بررسی با ید قرار گیرد؟ در واقع معماری و شهرسازی اسلامی چیزی به جز مفهوم و معنا نیست و شکل و فرم در صورت ایجاد "مفهوم" و "معنا" در آن فضا "شکل" و "فرم" اسلامی پیدا کرده و به فضای اسلامی تبدیل می‌گردند. اگر به تاریخ احداث بناهای مساجد قدیمی مثل اردستان، مسجد جامع اصفهان، مجامع یزد و... و تاریخ ظهور اسلام و اگر به خیلی دورتر برویم ساخت کعبه مکرمه بدست حضرت ابراهیم خلیل‌الله در این پژوهش سعی در باز کردن مفاهیم و انتظارات موردنظر اسلام از معماری و شهرسازی و همین‌طور مشخص کردن عناصر شاخص فضاها می‌باشد.

واژگان کلیدی: شهرسازی و معماری اسلامی، فضای اسلامی، کعبه، قرآن، حضرت محمد (ص)، حضرت ابراهیم خلیل‌الله.

مقدمه

معماری و شهرسازی اسلامی از جمله معماری‌هایی است که بر اساس فرهنگ و تمدن مذهبی بنا شده است. این نوع معماری و شهرسازی در کشورهایی پیدا می‌شود که تأثیرپذیری قابل توجهی از ایدئولوژی اسلامی در طول سال‌های متمادی داشته و بر اساس همین ایدئولوژی فرهنگ خود را بنا کرده‌اند. از آن جمله می‌توان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش (مغرب)، هند و افغانستان را نام برد. البته نباید فراموش کرد که گستره زمانی این کشورها برابر نیست برای مثال چنین نقشی برای کشور مصر از تاریخ ۹۲۴ قمری رقم زده شد (هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷).

هنر اسلامی با روی کار آمدن امویان در سال ۴۱ ه.ق. و با انتقال خلافت امویان از مدینه به دمشق، آغاز شد. این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمین‌های همسایه بویژه ایران گردید.

اولین هنر معماری اسلامی در ایران را می‌توان در شرق کشور، در منطقه خراسان پیدا کرد. این شیوه را شیوه "خراسانی شبستانی" نامیدند و در اوایل قرن اول ه.ق. در همان ابتدای پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان، مشاهده می‌کنیم. این شیوه را می‌توان اولین شیوه "معماری اسلامی" در ایران نام نهاد. این حرکت تا دوره‌های "آل‌بویه" و "دیلیمان" (قرن چهارم ه.ق) ادامه پیدا کردند. در این شیوه، نقشه مساجد از صدر اسلام الهام گرفت و مساجد به صورت شبستانی (چهل ستونی) بنا گشتند. به طور کلی،

معماری در این شیوه بسیار ساده و خالی از هرگونه تکلف است و مصالحی که در این بناها به کار رفته ساده و ارزان قیمت می‌باشد. از مساجد این شیوه می‌توان به «مسجد جامع فهرج یزد»، «مسجد تاریخانه دامغان»، «مسجد جامع نائین»، «مسجد جامع نیریز» و «بنای اولیه مسجد جامع اصفهان» اشاره کرد.

در نیمه اول قرن پنجم هـ ق، با تأسیس سلسله سلجوقیان، درخشان‌ترین دوره هنر اسلامی در ایران آغاز گردید. در این دوره، شاهد اوج شیوه‌ای از معماری به نام «رازی» هستیم که از زمان سلسله «آل زیار» در شهر ری آغاز و تا حمله «مغولان» ادامه پیدا کرد. در این شیوه بود که معماران از انواع «نقوش شکسته» و «گره‌سازی» با آجر و کاشی استفاده کردند و همچنین در طرح‌هایشان از طرح چهار ایوانی و قراردادن گنبد بر مقاطع مربع، بهره بسیار بردند. آثار معماری در این دوره، از بنیاد با «مصالح مرغوب» بنا شدند. مساجد معروفی چون «مسجد برسیان» در نزدیکی اصفهان، «مسجد جامع اردستان»، «مسجد جامع کبیر قزوین» و «مسجد جامع اصفهان» که بر روی شالوده‌های دوران «آل بویه» بنا گردید، از نمونه‌های این شیوه به شمار می‌روند.

در شهرهای اسلامی حمام‌ها در گذرگاه‌های اصلی شهر، راسته بازارها و کاخ‌های حکومتی طوری ساخته می‌شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمام‌ها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهم‌ترین بناهای شهری محسوب می‌شدند.

فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می‌شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمام‌ها از سنگ مرمر و دیگر سنگ‌ها پوشیده شده بود، ازاره حمام با سنگ و کاشی تزیین می‌شد. از جمله تزیینات داخلی حمام‌ها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلیخان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

در طی قرن‌های هفتم تا دهم ه.ق و با اتفاقاتی همچون حمله مغولان، خیلی از کشورهای اسلامی از جمله ایران به وضع بسیار بدی درآمدند ولی با روی کار آمدن ایلخانیان مغولان فرهنگ و سنت‌های کشورهای شکست خورده را پذیرفتند و یکی از حامیان هنر و هنرمندان اسلامی شدند. در این دوره، شیوه‌ای به نام «آذری» رواج یافت که تا دوره «صفویه» ادامه پیدا کرد و شهرهایی چون «تبریز»، «بغداد»، «سلطانیه» و «اصفهان» مراکز هنر و هنرمندان گشتند و بناهای مذهبی و غیرمذهبی متعددی در این شهرها ایجاد شدند. در قرن هشتم تیمور شهرهای ایران را به آتش کشید و باز هنر ایرانیان در شهرهای سمرقند و بخارا شکل گرفت.

در اوایل قرن هفتم هـ ق، با هجوم مغولان، بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران به ویرانی کشیده شدند، اما چندی نگذشت که با تأسیس سلسله ایلخانیان، از بناهای معروف دوران ایلخانی و تیموری، می‌توان به مسجد گوهرشاد، مسجد جامع ورامین، قسمت اعظم بناهای حرم رضا، مسجد کبود تبریز (معروف به فیروزه‌ی اسلام)، مسجد جامع یزد و... اشاره کرد.

با روی کار آمدن صفویان در اوایل قرن دهم هـ ق، شهرهایی چون «تبریز»، «قزوین» و «اصفهان» به مراکز هنری ایران تبدیل شدند. در این دوره، شاهد اوج هنر معماری ایران می‌باشیم که توسط پادشاهان مقتدر و هنردوست آن دوره یعنی «شاه تهماسب» و «شاه عباس اول» به وجود آمد. در این دوران البته، اندکی قبل از دوره صفوی یعنی از زمان قراقویونلوها، شیوه‌ای دیگر در معماری ایران به وجود آمد که به «شیوه اصفهانی» معروف گردید. در این شیوه، نقشه‌ها و طرح‌های ساختمانی رو به سادگی نهاد و استفاده از کاشی‌های خشتی و هفت رنگ به جای کاشی معرق رواج یافت. مساجدی چون «شیخ لطف الله...» و «مسجد امام» در اصفهان، از شگفتی‌های معماری این دوران به شمار می‌آیند. در دوران زند و افشار، بتدریج شاه د افول معماری ایرانی می‌باشیم، به طوری که این رکود و افول در دوره قاجار به اوج خود می‌رسد. با وجود این رکود، باز هم شاهد ایجاد بناهایی چون «مسجد امام تهران»، «مسجد و مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)» و «مسجد و مدرسه آقابرگ» در کاشان و... می‌باشیم (مارتن. هانری، ۱۳۷۵)

ورود دیدگاه‌های ملیت در اسلام

همانطوری که در تاریخ گذشته ایران به‌طور مختصر به روند حضور معماری و شهرسازی اسلامی اشاره شد، این شیوه در جهان اسلام تبدیل به مکاتبی متفاوت شد که هرکدام بنا به اصالت معماری و شهرسازی خود به آن توجه داشتند. مارتن هانری برای مشخص کردن این شیوه‌ها به مشخص کردن مکاتب و سبک‌های به وجود آمد پرداخته و پنج مکتب حاصل از این تغییر تحولات را بدین شهر دسته‌بندی می‌کند:

- ۱- مکتب سوریه
- ۲- مکتب مغرب: تونس، الجزایر، مراکش و اسپانیا
- ۳- مکتب ایرانی: ایران، عراق، آسیای میانه، افغانستان و بخشی از پاکستان
- ۴- مکتب عثمانی: ترکیه و آناتولی
- ۵- مکتب هند

برای بازشناسی این سبک‌ها می‌توان به اماکن مشخصی که امروزه هم آثار آن باقیست مراجعه کرد. از آن جمله می‌توان اماکنی چون: مسجد، آرامگاه (اماکن متبرکه)، مدرسه، بازار، کاخ و کاروانسرا مراجعه کرد.

برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی

در اوایل قرن بیستم اوضاع بسیاری از شهرها به علت پدیده صنعتی نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی داشتند. ایده‌های بسیاری در زمینه بهبود اوضاع زیست‌محیطی شهرها و هماهنگی بهینه بافت آن‌ها با پدیده‌های جدید چه در زمینه برنامه‌ریزی و چه در طراحی شهری توسط علاقه‌مندان و طراحان و برنامه‌ریزان شهری ارائه شد. مبانی واحدهای همسایگی از جمله ایده‌هایی بود که توسط افرادی چون کلارانس پری در آمریکا در حل مشکل سرریز جمعیت شهرها چه به‌صورت متصل (گسترش شهرهای موجود) و چه به‌صورت منفصل (در شهرهای جدید) به‌طور گسترده‌ای نه تنها در غرب و شرق بلکه در سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. درحالی‌که در کشورهای اسلامی نه تنها بر اساس نیازهای فیزیکی که بیشتر ایده طراحی واحد همسایگی مدنظر بود، بلکه در زمینه مسائل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز تجربه طراحی و ساخت محلات مسکونی برخوردار بودند. تجربه تبلور یافته از فرهنگ غنی اسلامی متأسفانه در دوران معاصر خصوصاً عصر قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگرفت و به دلیل استفاده از مشاوران غربی در امر برنامه‌ریزی شهری بیشتر به ایده واحدهای همسایگی در غرب و ابعاد فیزیکی توسعه و طراحی پرداخته شد (پور جعفر، ۱۳۷۶).

از جمله شهرهایی که از تفکر و مبانی برنامه‌ریزی و طراحی اسلامی تأثیرپذیر بودند مدینه النبی بود که به دلیل حضور پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان شهر اسلامی شناخته شد. پس از آن مکه و کوفه بود که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۳ هجری شهر بغداد پایتخت ساسانی بود و معماری اسلامی با الهام از شیوه‌های هنر ساسانی رواج پیدا کرد. در اوایل قرن هفتم هم پس از حمله مغولان و ویرانی شهرها، مجدداً فرهنگ اسلامی در شهرهای ایران جای خود را گرفت و شهرهایی چون سلطانیه و تبریز از نظر شهرسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند.

به‌طور کلی شهرهای اسلامی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

شهرهای قرون نخست اسلامی، مربوط به دوره ساسانی و غزنوی

شهرهای دوره میانی در دوران سلجوقی و ایلخانی و تیموری

در واقع باید اقرار کنیم در محلات اسلامی ارتباطات و روابط اجتماعی بسیار قوی و غنی هستند. با توجه به سلسله‌مراتبی هم

در ایجاد شهرهای اسلامی به محوریت مسجد صورت می‌گیرد، عملاً با نقش محوریت و تمرکز مسجد و اجتماع مردم در اکثر مواقع، بخصوص نماز جماعت روزهای جمعه، این مکان نقش تعیین‌کننده‌ای را بازی می‌کند.

در اینجا به نقش و جایگاه مسجد اشاره شد ولیکن انتظار ما از "فرم" مکان محوریت که در این بحث همان مسجد می‌باشد چگونه فرمی می‌تواند باشد؟ در واقع در این بحث و در بحث برنامه‌ریزی شهر محلات اسلامی و یا شهرهای اسلامی، هدف ایجاد روابط اجتماعی آن فضاهاست و نه شکل هندسی و یا کالبد خاص آن. "فضاهای درون بخش مسکونی باید به ارتباط بین افراد جامعه، بهبود روابط انسانی، به زبان ساده به ملاقات‌ها و به درد دل یکدیگر رسیدن‌ها کمک کند. این در حالی است که: در بسیاری از بخش‌های مسکونی شهرهای کنونی انگار همه فضاها برای از نقطه‌ای به نقطه دیگر رفتن است (پور جعفر، ۱۳۷۶). مکتب اصفهان یکی از مکاتب مطرح و مهم دوران اسلامی است که در زمان صفویه به اوج خود می‌رسد. این مکتب در زمان بزرگانی چون "میرفندرسکی، میرداماد، شیخ بهایی و چند تن دیگر آغاز و با آرای ملاصدرای شیرازی در تمام عرصه‌های هنر از نقاشی و خط تا معماری و شهرسازی از این عقاید متأثر می‌شوند. این مکتب برگرفته از "فلسفه" و "حکمت" بوده و فقط به لحاظ مکانی به مکتب اصفهان خوانده می‌شود ولیکن تا سرزمین‌های همجوار هند را تحت نفوذ خود قرار داده و تا آخرین آثار قاجاریه هم می‌توان تأثیرات او را مشاهده کرد. در مکتب اصفهان که یک بحث کاملاً فلسفی و حکمت می‌باشد، معماری و شهرسازی دوران صفویه متأثر از این مکتب و ریشه در مبانی نظری این مکتب پیدا می‌کند.

کالبد در اسلام

کالبد و یا بقولی "فرم حجمی" بنا در اسلام به‌طور واضح مشخص نشده است؛ اما در "معنا" و "مفهوم" بنا تأکید بسیاری شده است؛ مانند مکانی بنام "مسجد" تا در آنجا انسان به خداوند نزدیک شود و تزکیه روح پیدا کند. کالبد یک بنا در ارتباط با معنا و مفهوم آن تعریف شده و معنادار می‌شود. مسجد در شکل نهایی خود مناسب‌ترین فضا برای خودشناسی و جامعه‌سازی می‌باشد. در آنجا که اسلام انسان را به‌صورت فطری و استعدادهای او را به‌صورت جامع و کامل معرفی می‌کند. "بنابراین مفاهیم مطرح شده در این مکتب همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و فرا تاریخی و فرا جغرافیایی و در یک کلام انسانی است" (نقره‌کار، ۱۳۷۶). در رابطه با ارزش‌ها و اصالت‌های شهرسازی باید به این نکته اشاره شود که این ارزش‌ها و اصالت‌ها از سیر متعالی انسان ابر گرفته می‌شود و در اسلام این ارزش و اصالت از سیر بطرف باری تعالی می‌باشد، چرا که او (انسان) جانشین خدا در روی زمین است. درعین حال ارزش و اصالت فطری بوده و دائمی و غیر وابسته به زمان، مکان و تاریخ و جغرافیا. کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان‌اند و فقط به‌صورت متشابه، رمزی، آیه‌ای و تمثیلی می‌توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه معنایی پیدا کنند. کالبدها به‌صورت نسبی می‌توانند معنا و مفهومی را تداعی کنند و در مجموع حداکثر، زمینه و وسیله‌ای متناسب برای سیر و صورت متعالی انسان باشد (حداکثر در حد لباس مناسب) و جنبه اعتباری دارند. هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می‌تواند در بی‌نهایت شکل‌ها و کالبدهای متفاوت به‌صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بعد انتها ندارد. به‌خصوص با توجه به جمیع شرایط زمان و مکان؛ بنابراین هر مفهوم ثابتی می‌تواند در بینهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یابد و تجلی کند (نقره‌کار، ۱۳۷۶).

کعبه نهایت معماری اسلامی

درباره خانه کعبه

این خانه که نام دیگرش بیت‌الله الحرام است، تاریخچه بسیار مفصّلی دارد که مطابق روایات^۱ به زمان حضرت آدم (علیه‌السلام) برمی‌گردد. او نخستین کسی بود که خانه را بنا کرد و بر گرد آن طواف نمود، سپس در طوفان نوح ویران شد و ابراهیم به کمک فرزندش اسماعیل، طبق آیات صریح قرآن بار دیگر آن را بنا کرد و حجّ خانه خدا به جا آورد و این اولین خانه توحید است که برای

انسان‌ها قرار داده شد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا». «طبق روایات در محاذی آن در آسمان‌ها مرکز عبادتی است که فرشتگان بر گرد آن می‌گردند، حتی گفته شده که محل خانه کعبه اولین نقطه خشکی بود که سر از زیر آب درآورد^۱ و داستان «دحو الارض» نیز اشاره به همین معناست که در آغاز، مجموعه روی زمین بر اثر باران‌های سیلابی زیر آب بود؛ آب‌ها کم‌کم در مناطق پایین‌تر جای گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر برآوردند و اولین نقطه، همین محل خانه کعبه بود.

عظمت خانه کعبه

درباره عظمت و اهمیت خانه کعبه روایات فراوان - چه در نهج‌البلاغه و غیر نهج‌البلاغه - وارد شده است، از جمله در حدیثی از امام باقر (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «ما خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بُقْعَةً فِي الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهَا - ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْكَعْبَةِ - وَ لَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْهَا»؛ (خداوند هیچ نقطه‌ای در زمین را نیافریده که محبوب‌تر به سوی او از آن باشد - سپس با دست خود به سوی کعبه اشاره کرد - و نه هیچ نقطه‌ای نزد خداوند گرامی‌تر از آن است. در آغاز همین حدیث آمده است: «إِنَّ النَّظَرَ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ»؛ (حتی نگاه کردن به آن عبادت است)^۲. خانه کعبه، رمز وحدت مسلمین و مرکز دایره صفوف جماعات آن‌ها در شبانه‌روز، در کل جهان است. خانه کعبه، بزرگ‌ترین مرکز اجتماع مسلمین در طول سال و مهم‌ترین کانون عظمت آن‌هاست که از سراسر جهان به سوی آن می‌آیند و مشمول برکات فوق‌العاده معنوی و مادی آن می‌شوند.

تاریخ و بنای کعبه

خانه کعبه که طراح آن خداوند و مجری آن پیامبران بوده‌اند، از اولین بناهایست که با دست پیامبران و با اذن خداوند متعال بنا شده است. این بنا که چهار بار به کلی تخریب و مجدداً بازسازی می‌شود ولیکن از نظر فرمی تغییر شکل پیدا نمی‌کند و باز همان شکل "مکعبی" خود را حفظ می‌نماید. عمده اطلاعات ما در مورد کعبه منابع نویسندگان اسلامی است. فارغ از روایات و منابع اسلامی، گزارش و سند تاریخی چندانی مربوط به پیش از اسلام در مورد این بنا در دست نیست.

بنیان‌های ساختمان کعبه

در قرآن کریم در مورد کعبه گفته شده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» (آل عمران) بنابر گفتار تاریخ‌نگار اسلامی، آزرقی، ساختمان کعبه ۱۰ بار بنیان شده است. به این ترتیب:

- | | | |
|---------------------------------|------------------|--------------------------------|
| ۱- بنیان الملائکه | ۵- بنیان العماقه | ۹- بنیان عبدالله ابن زبیر |
| ۲- بنیان آدم | ۶- بنیان جرهم | ۱۰- بنیان حجاج ابن یوسف الثقفی |
| ۳- بنیان شیث | ۷- بنیان مضر | |
| ۴- بنیان ابراهیم و پسرش اسماعیل | ۸- بنیان قریش | |

این سازه تا پیش از گشودن شهر مکه به دست محمد و پیروانش، محل نگهداری و پرستش بتها بوده است. قبیله قریش در اطراف کعبه بت‌های مختلفی قرار داده بودند، مانند لات، عزی، اسافه، نائله، منات و... بزرگ این بت‌ها هبل بود.

در دوره بعد از اسلام کعبه چهار بار به کلی ویران شده و از نو بنا شده است. دو بار اول به سده اول هجری بر می‌گردد. در جریان جنگ‌هایی که بین امویان و عبدالله بن زبیر فرماندار وقت مکه صورت می‌گرفت کعبه دو بار ویران شد. بار اول آتش گرفت و

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۶

۲- شرح نهج البلاغه خویی، ج ۲، ص ۲۳۵

۳- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۴۰

بار دوم توسط سپاهیان حجاج بن یوسف با منجنیق سنگ باران شد. سومین تخریب مکه به ۹۳۰ میلادی بر می‌گردد که طایفه قرامطه - که از شیعیان اسماعیلی بودند- به مکه حمله کردند و حجاج را قتل عام کردند و چاه زمزم را با جنازه‌های کشتگان پر کردند. آنان حجرالاسود را ربودند و با خود به شهر احسا -در شرق عربستان- بردند. تخریب چهارم کعبه در نتیجه سیلی بود که در سال ۱۶۲۹ میلادی رخ داد. پس از آن سلطان مراد چهارم ساختمان کعبه را با سنگ‌های گرانیتی از نو بنا کرد که این ساختمان تا عصر حاضر به جا مانده است.

ساختمان کنونی کعبه از زمان حجاج بن یوسف ثقفی و بازسازی همان ساختمان در دوران خلافت سلطان مراد چهارم از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ قمری در اثر سیل در مسجدالحرام و تخریب آن، از نو بازسازی گردید. این ساختمان استحکام کامل دارد، به طوری که تاکنون به همین شکل پابرجا و استوار مانده است^۱.

مشخصات هندسی خانه کعبه

کعبه روی یک قاعده ۲۵ سانتی‌متری از جنس سنگ مرمر بنا شده که به اندازه ۳۵ سانتی‌متر جلوآمدگی دارد. ارتفاع آن حدود ۱۳۰۱ متر، با طول و عرض ۱۲۰۸۶ در ۱۱۰۳ متر است. در بعضی منابع جزئیات اضلاع کعبه به این شکل بیان شده است

- طول ضلع در کعبه، یعنی از رکن حجر اسود تا رکن عراقی: ۱۱۰۶۸ متر
- طول رکن عراقی تا شامی، سمتی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد: ۹۰۹۰ متر
- طول رکن شامی تا رکن یمانی: ۱۲۰۰۴ متر
- طول رکن یمانی تا رکن اسود: ۱۰۰۱۸ متر

چرا خانه کعبه مکعب ساخته شد؟

این سئوالیست که هیچگاه دغدغه زائر و یا مسلمانی که سال‌ها بطرف او نماز خوانده است نبوده و حتی در خیلی از مواقع به ذهن انسان نیز خطور نمی‌کند. آیا سادگی و صلابت ساختمان کعبه است؟ آیا ترس از غضب خداوندی می‌باشد؟ آیا انرژی مثبتی است که از آن به انسان مسلمان هدایت می‌شود؟ در واقع آیا هیچوقت از خود پرسیده‌ایم که چرا پیامبران ما بعد از چهار بار تجدید بنا فرم دیگر را بنا نکردند؟ و چرا از همان ابتدا حضرت ابراهیم (ع) فرم دیگری را برای خانه خدا انتخاب نکرد؟ و آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم که آیا معماری اسلامی واقعی می‌تواند همین شکل مکعبی باشد؟

ما در گذشته آتشکده‌های باقیمانده را به مسجد و خانه خدا تبدیل کردیم. هر بنای ساده‌ای را که مجهز به گنبد و مناره نبود درخور شخصیت مسجد و یا مکان اسلامی ندانستیم درحالی‌که خانه خدا یک مکعب بی‌غل و غش و ساده به تمامی معنا قبله‌گاه مسلمانان جهان با تأثیر بسیار زیاد بر تعادل و آرامش انسان می‌باشد.

چهار ضلعش بر چهار وجه انسان منطبق شده و در او ایجاد سکون می‌کند و بر برآیند محورها و قطرهای آن نیز به صفر می‌رسد و هیچ‌گونه جاذبه حرکت ایجاد نمی‌کند و می‌تواند انسان را در کانون فضا کاملاً آرام نگه دارد (نقره کار، ۱۳۷۶).

در معماری نیز حجم مکعب و پلان مربع، از هندسه‌های خالص بشمار می‌آیند. مربع از جمله اشکال هندسی منظمی است که در ایجاد یک فضای تعادل می‌تواند بهترین طرح و نقشه معماری را ایجاد نماید. در معماری اسلامی که امروزه گنبد یک فضای اصلی و نشانه فضای اسلامی می‌باشد بر مبنای یک طرح هندسی مربع شکل بنا می‌گردد. مبنای یک نیمکره باز هم یک مربع قرار می‌گیرد. در دوره ساسانی نیز تقریباً تمامی آذر کده‌ها بر مبنای یک مکعب ساخته و گنبدی را بر روی آن‌ها بنا کرده‌اند: مصلای یزد، حیدریه قزوین، نیاسر (کاشان)، فیروزآباد، اتشکوه (دلیجان)، بازه هور (مشهد).

¹ Creative Commons Attribution/Share-Alike.htm://Fierfox HTML,Document

تعالی و یگانگی در فضای اسلامی

در جهان‌بینی اسلامی تمامی تلاش بر سوق دادن انسان بسوی احد واحد بوده و شکل و فرم فضا وسیله‌ای است برای نزدیک شدن به اوست (ذات الهی). در ملاحظیات فطری طبیعی، آدمی را از "خود" و "خودی خود" جهشی همراه با "نگرش" و با "عاطفه" و رابطه" به سوی عالم و آدمیان، و رویدادهای دنیای زندگان می‌بخشد که در همان "عاطفه و رابطه" خیر طلبی و جمال خواهی، بیش از همه مقصد و مقصود هستند. حاصل آن هنر، سعادت‌فرد و جامعه انسانی خواهد بود (ذوالفقارزاده، ۱۳۷۹). در واقع هنر در اسلام در راستای تعالی تعریف می‌شود و این انسان است که با بهره‌گیری از عقلانیت و منطق خود ان را به شکل و یا فرم تبدیل می‌کند. اگر بخواهیم در گفتارمان وضوح بیشتری داشته باشیم، باید اینطور عنوان کنیم که هر فضایی؛ معماری و یا شهری، در هر مکانی؛ در اروپا و یا در آسیا و در هر زمانی؛ در گذشته، حال و یا آینده، می‌تواند فضای اسلامی باشد مشروط بر اینکه در آن فضا انسان به تعالی، آرامش، نگرش اجتماعی و کرامت والای انسانی برسد.

هنر اسلامی تماماً قانونمندی، وضوح، سلسله‌مراتب و فرم بلورین است. هنر اسلامی دراصل توحید، یعنی تسلیم در برابر یگانگی خدا و شهود آن حاصل می‌شود. جوهر توحید در ورای کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطه بارقه‌های گوناگونی و منقطع متجلی می‌سازد. این بارقه‌ها در ساخت تخیل بصری در صور بلورین تبلور می‌یابد و این صور هستند که به نوبه خود جوهر هنر اسلامی را پدید می‌آورند (همان).

با توجه به اینکه معماری و شهرسازی از ارکان هنر محسوب می‌شوند و نگاه اسلام به هنر اسلامی در خدمت مردم بودن آن هنر است، نقوش، اشکال و رنگ‌ها در معماری و شهرسازی نشانه بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در این فضاها ره درک مستقیم آن معانی دست می‌یابد. لذا نقوش، اشکال و فرم‌هایی که امروزه به نام اسلام مطرح می‌شوند حامل معنایی می‌شوند که در "معانی" و "مبانی نظری" اسلام تعریف شده است. اسلام در واقع دعوت به یک عقیده و دعوت به یک اندیشه است، از این رو قرآن کریم همواره دعوت به تعقل و اندیشیدن می‌کند و از اصل تقلید در اندیشه و عقیده پرهیز می‌دهد (آصفی، ایمانی، ۱۳۹۱). با توجه به داشتن معیارهای قوی و مبانی نظری انسان‌گرا، می‌توان به اشکال و احجام برگرفته از اندیشه اسلامی دست یافت. معماری و شهرسازی اسلامی روابط اجتماعی وحدت‌بخش و امن تعریف می‌شود، درحالی‌که قبل از اسلام جامعه فرهنگی که در مدینه رواج داشت؛ فرهنگ جهالت، تعصب مفرط، کثرت و قبیله‌گرایی حاکم بود. پس از حضور پیامبر اکرم (ص)، شرایط فرهنگی شهر مدینه دگرگون شد و برای از بین بردن اختلافات بنیادین بین طوایف و قبائل گوناگون، توجه خاصی را به آن‌ها مبذول داشت. راهکارهای پیامبر جهت دستیابی به فرهنگ اسلامی ناب در شهر مدینه بود (عطایی همدانی، حمزه نژاد، نقره‌کار، ۱۳۹۰).

| | | | |
|------------------------|-----------------------------|----------------------------|--|
| وضع موجود پیش از اسلام | مبانی محیطی (طبیعی) | موضوع شناسی زمین | کوه‌ها و دره‌ها |
| | | جغرافیای گیاهی و منابع آبی | نخلستان‌ها، چاه‌ها و وادی‌ها |
| | | | روستاها، بازارها، اطم‌ها، سقیفه‌ها، مکتب‌خانه‌ها |
| | گونه شناسی فرهنگی و اجتماعی | | اعراب اولیه، یهودیان و مشرکان (اوس و خزرج) |



| | | |
|-------------|------------|-------------|
| مبانی اسلام | مبانی نظری | قرآن و حدیث |
| | سنت عملی | سیره نبوی |

عوامل مؤثر بر مکان‌یابی مسجد در شهر مدینه که در این جدول می‌توان مبانی نظری اسلام را در شهر نیز ترسیم کرد (همان).

نتیجه‌گیری

درباره اندیشه اسلامی در فضاهای معماری و شهرسازی بسیار می‌توان نوشت. ولی آن چیزی که امروز جامعه اسلامی را به خود مشغول داشته است "فرم" و "شکل" در آثار اسلامی می‌باشد. در آثار و بناهای نسبت داده شده به اسلام و یا فضاهای اسلامی، همواره به فرم بیشتر تأکید می‌شود تا به معنا و اثرگذاری آن بر انسان. در حالی که در مبانی نظری اسلامی همیشه محتوی و معنایی یک فضا مدنظر می‌باشد. در قرآن کریم و یا در نهج‌البلاغه و یا حتی در احادیث نبوی، اشاره به شکل و فرم فضا نمی‌شود بلکه به تأثیرگذاری، امنیت، انسان‌ساز و جامعه‌ساز بودن فضاها تأکید گردیده است. در آثار اسلامی که قرآن کریم و نهج‌البلاغه در رأس آن‌ها قرار می‌گیرند، هدف از ایجاد شهر و خانه راه، پناهگاهی امن و فضایی مطمئن در ایجاد آرامش و نظم اجتماعی قلمداد می‌کند. در مقابل مخالفت و دشمنی با شهرهایی که فساد اجتماعی در آن‌ها بیداد می‌کند، خداوند را خشمگین و آن‌ها را تهدید به تخریب و واژگونی می‌نماید: چه شهرها و آبادی‌های بسیاری را به سبب تجاوز و گناهان اهلس نابود کردیم... (الاعراف، ۴)، هیچ پیامبری را به شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی‌ها گرفتار کردیم ۱ تا بسوی خدا بیایند و به درگاهش تضرع و زاری کنند (الاعراف، ۹۴). و چه بسیار مردمانی را بخاطر ظلمشان نابود کردیم و بجایشان اقوام دیگری نشانیدیم (الانبیاء، ۱۱)؛ و چندین آیه دیگر که به‌طور مداوم انسان را به کناره‌گیری از بزه‌کاری و ظلم و ستم و ایجاد ناامنی در شهرها هشدار داده و به کیفیت زندگی بهتر نه ساختمان و یا شهری با شکل و فرمی آنچنانی تشویق کرده است. اگر بخواهیم به‌طور کلی منظور قرآن کریم را از معماری و شهرهای امروز در یک جمله خلاصه نماییم، باید چنین بیان کنیم که: شهر اسلامی و یا معماری و شهرسازی اسلامی در حقیقت معنا نهفته شده و شکل و فرم می‌تواند برگرفته از این معانی الهی باشد، ولیکن الزامی در شکل و فرم نیست اگر "معنا" و "مفهوم" اسلام در فضا تنیده شود.

منابع

- ۱- هوگ، ج، مارتن. هانری، ۱۳۷۵، سبک‌شناسی معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند.
- ۲- هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام.
- ۳- پور جعفر محمدرضا، ۱۳۷۶، تحلیلی پیرامون واحدهای همسایگی در غرب و محله‌ها در شهرهای اسلامی، کنفرانس شهرها و مردم، دانشگاه تبریز.
- ۴- پور جعفر محمدرضا، ۱۳۷۶، نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۵- عطایی همدانی م. حمزه نژاد م. نقره‌کار ع.، ۱۳۹۰، بررسی و الگو شناسی مکان‌یابی مساجد عصر نبوی در مدینه، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره‌ای.
- ۶- نقره‌کار محمدرضا، ۱۳۷۶، معماری مسجد از مفهوم تا کالبد، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۷- ذوالفقارزاده حسن، ۱۳۷۹، روح و وحدت، همایش بین‌المللی معماری مساجد- افق آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۹.
- ۸- آصفی مازیار-ایمانی الناز، ۱۳۹۱، چالش‌های فناوری‌های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش‌های معماری اسلامی ایران، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره‌ای.

^۱ - در اینجا منظور مترجم، بصورت ترجمه تحت الفظی آمده است. در واقع خداوند متعال کسی را به عذاب و گرفتاری نمی‌اندازد مگر اینکه خود او تمایل به چنین کار داشته باشد.